

Private Bribery and Receiving a Bribe in International Documents and Iranian law

Arsalan Ashrafi

Doctoral Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Amir Irvanian*

Assistant Professor Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Mahdi Houshyar

Assistant Professor Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Shiraz, Iran


Abstract


Although one of the requirements of the implementation of the Merida Convention is the criminalization of "bribery in the private sector", the Iranian legislature has not yet considered this issue and there is no clear approach in the judicial process in this regard. From the point of view of international instruments and comparative law today, there is no doubt that bribery in the private sphere, as well as doing it in the public sphere, can be a manifestation of financial and administrative corruption that should be specifically criminalized and punished. However, in Iranian law, the question is what is the nature of paying and receiving bribes in the private sector. And, what is the reaction to it? Findings of the research indicate this: in Iranian criminal law, according to Article 588 of the Criminal Code of 1996, a specific type of private bribery (a receipt of money or property by judges, auditors and experts) has been criminalized. The judicial practice seeks to extend this prohibition to all private sectors responsible for public services in accordance with the principles of the crime and other related provisions. In particular, it seems that the provisions and basis of the "Unanimous Vote of Procedure No. 798 of the General Assembly of the Supreme Court", which has just been issued, have made this possible even more. Because, in this vote, by considering the criterion of "public services" and considering the employees of private banks as "public service agents", the said employees are considered to be subject to Article 598 of the mentioned law. According to this rule and the stipulation of "public service officers" in Article 3 of the Law on Intensification of Punishment for Perpetrators of Embezzlement, Bribery and Fraud, there is no distinction between the mentioned crimes and a single procedure should be established for them. However, jurisprudence cannot compensate for the shortcomings of the legislation in this area.


Keywords: Financial and Administrative Corruption, Public Services, Public Service Agents, Embezzlement, Illegal Occupation.

* Corresponding Author: a_irvanian@sbu.ac.ir

رشا و ارتشاء خصوصی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران

ارسلان اشرافی  دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

امیر ایروانیان  * استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

مهدی هوشیار  استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

چکیده

با آنکه یکی از الزامات ناشی از اجرای کنوانسیون مریدا جرم‌انگاری «رشا و ارتشاء در بخش خصوصی» است، هنوز قانونگذار ایرانی این مهم را مورد توجه قرار نداده و در رویه قضایی نیز رویکرد روشنی در این زمینه وجود ندارد. امروزه از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق تطبیقی تردیدی وجود ندارد که رشا و ارتشاء در حوزه خصوصی، همانند حوزه عمومی، می‌توانند جلوه‌ای از فساد مالی و اداری باشند که باید به طور ویژه جرم‌انگاری و قابل مجازات اعلام گردند. در حقوق ایران این پرسش مطرح است که پرداخت و دریافت رشوه در بخش خصوصی چه ماهیتی دارد؟ و چه واکنشی نسبت بدان می‌توان نشان داد؟ یافته‌های پژوهش بر این دلالت دارند که در حقوق کیفری ایران طبق ماده ۵۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ گونه خاصی از رشا و ارتشاء خصوصی (دریافت وجه یا مال توسط داوران، ممیزان و کارشناسان) جرم‌انگاری شده است. رویه قضایی در تلاش است تا با لحاظ مبانی جرم یادشده و مقررات مرتبط دیگر، این ممنوعیت را به همه بخش‌های خصوصی که عهده‌دار خدمات عمومی هستند تعمیم دهد. به ویژه چنین به نظر می‌رسد که مفاد و مبنای «رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور» که به تازگی صادر شده، این امکان را بیش از پیش فراهم آورده است. زیرا در این رأی با ملاک قرار دادن ضابطه «خدمات عمومی» و تلقی کارمندان بانک‌های خصوصی به عنوان «مأموران به خدمات عمومی»، کارمندان موصوف مشمول ماده ۵۹۸ قانون یادشده به شمار آمده‌اند. با توجه به ضابطه مزبور و قید «مأموران به خدمات عمومی» در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری تمایزی میان جرایم یادشده وجود ندارد و باید رویه واحدی درباره آنها ایجاد گردد. با وجود این، رویه قضایی نمی‌تواند نقص قانونگذاری در این زمینه را جبران نماید.

کلیدواژه‌ها: فساد مالی و اداری، خدمات عمومی، مأموران به خدمات عمومی، اختلاس، تصرف غیرقانونی.

مقدمه

رشا و ارتشاء یکی از رفتارهای مجرمانه دو سویه (طرفینی) است که ارتکاب آن به دو نفر وابسته است و در مقررات کیفری کنونی به صورت دوگانه نیز جرم‌انگاری شده است.^۱ از یک سو، در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری ۱۳۶۷^۲ «ارتشاء / رشوه گرفتن» جرم‌انگاری شده، و از سوی دیگر، در ماده ۵۹۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵^۳ «رشا / رشوه دادن» ممنوع و قابل مجازات اعلام گردیده است. مقررات مزبور ناظر به «رشا و ارتشاء» در بخش عمومی است. اما با دگرگونی‌هایی که در بخش‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی به وجود آمده،^۴ بستر مناسبی برای رشا و ارتشاء در بخش خصوصی نیز پدیدار شده است. اما تا کنون برای این گونه از رفتارهای ناپسند در نظام حقوقی ما صریحاً ممنوعیت خاصی در نظر گرفته نشده و حتی می‌توان

۱. از دید تطبیقی، قانونگذاران و صاحب نظران حقوق غربی عموماً ارتشاء را به دو دسته ارتشاء فعال و منفعل تقسیم‌بندی می‌نمایند. ارتشاء فعال به متعهد شدن، ارائه یا پیشنهاد رشوه و ارتشاء منفعل به پذیرش یا توافق بر پذیرش یک رشوه اطلاق می‌گردد (Lajcakova, 2003: 111). آنها معمولاً در متون خود از فساد فعال و منفعل معادل رشوه فعال و منفعل بحث کرده‌اند. این موضوع در برخی اسناد مانند پروتکل اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۹۶ که بعدها مبنای کنوانسیون اروپایی علیه فساد مصوب ۱۹۹۷ قرار گرفت نیز صدق می‌کند (Bantekas, 2006: 420). اصولاً همانند رشوه عمومی، رشوه خصوصی نیز به دو بخش فعال و منفعل تقسیم می‌شود و این جرم نیز می‌تواند دارای ابعاد داخلی یا بین‌المللی باشد، بدین دلیل که مرتکبین می‌توانند هم به مقامات شرکتی داخلی و هم بین‌المللی رشوه دهند.

۲. از این پس، به عبارت کوتاه «قانون تشدید» بسنده می‌شود.

۳. منظور از عبارت اختصاری «ق.م.ا. ۱۳۷۵»، «کتاب پنجم-قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ است.

۴. سیاست‌ها و برنامه‌های خصوصی‌سازی به مثابه یکی از اجزای سیاست تعدیل ساختاری در چند دهه گذشته توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را جلب نموده است. در کشور ما نیز خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خردادماه ۱۳۸۴ توسط مقام رهبری ابلاغ گردید و با ابلاغ این سیاست‌ها، که از آن به انقلاب اقتصادی یاد می‌شد، تحولات ویژه‌ای در عرصه‌های اقتصادی و بازار رقابت به وجود آمده است. بی‌گمان یکی از آفت‌هایی که خصوصی‌سازی را در عمل ناکارآمد می‌سازد فراهم بودن زمینه‌های فساد مالی در شرکت‌ها و مؤسساتی است که در این راستا به بخش خصوصی انتقال پیدا کرده‌اند. گونه‌هایی از فساد مالی در این شرکت‌ها و مؤسسات می‌تواند پرداخت و دریافت رشوه در معاملات و داد و ستدهایی باشد که اشخاص با آنها برقرار می‌کنند. از این رو، درک این معنا برای توجه به موضوع ارتشاء خصوصی از اهمیت برخوردار است (کریم و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۲).

مدعی شد که با وجود شیوع آن، چندان مورد توجه نظام اجتماعی و اداری قرار نگرفته و دغدغه‌ای را دامن نزده است. در حالی که با توجه به فعالیت‌های رو به گسترش بخش‌های خصوصی در عرصه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود که این رفتار ناپسند بخش خصوصی را نیز آلوده سازد. بدیهی است اگر در این زمینه چاره‌اندیشی نشود، دیرزمانی نخواهد گذشت که با نابسامانی‌های زیادی در این عرصه‌ها رو به رو شویم.

این مقاله مدعی نیست که با جرم‌انگاری رشا و ارتشاء در بخش خصوصی می‌توان به درمان این بیماری اجتماعی پرداخت، اما با توجه به عدم ممنوعیت صریح چنین رفتاری، قبح اجتماعی آن نیز بیش از پیش نادیده گرفته می‌شود و در آینده به سختی می‌توان با آن مقابله نمود. از این رو، این مقاله در پی آن است که اهمیت موضوع را نشان دهد و زمینه تأمل بیشتر در این زمینه را فراهم آورد تا در صورت لزوم جرم‌انگاری چنین رفتاری در دستور کار قرار گیرد و یا اینکه با مداخله دیوان عالی کشور رویه قضایی بتواند فعال‌تر در این زمینه نقش آفرینی کند. مقاله در پی پاسخ بدین پرسش است که چه رویکرد یا رویکردهایی نسبت به پدیده رشا و ارتشاء در بخش خصوصی در سطح بین‌المللی و ملی وجود دارند؟

فرضیه مقاله این است که از منظر بین‌المللی گام‌های بلندی برای ترغیب کشورها به جرم‌انگاری رشا و ارتشاء در حوزه خصوصی برداشته شده و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فعالیت‌های چشمگیری را برای پیشگیری و مقابله با این گونه از رفتار زیانبار انجام داده‌اند. به طور ویژه در کنوانسیون مریدا بر جرم‌انگاری این رفتار توسط قانونگذاران داخلی تأکید شده و انجام این مهم یکی از تعهداتی است که دولت‌های امضاءکننده باید آن را اجراء نمایند؛ در حقوق داخلی مقررهای که صریحاً این گونه از رفتار را ممنوع و قابل مجازات اعلام کرده باشد وجود ندارد و با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی لازم است به طور خاص درباره آن قانون وضع شود و یا اینکه دیوان عالی کشور راهکار تفسیری مشخصی را در این زمینه ارائه نماید. در این راستا، مطالب این نوشتار در دو بند و یک نتیجه‌گیری تنظیم می‌شوند: رشا و ارتشاء خصوصی در اسناد بین‌المللی (شماره یکم) و رشا و ارتشاء خصوصی در حقوق ایران (شماره دوم).

۱. رشا و ارتشاء در بخش خصوصی از منظر بین‌المللی

بررسی پیشینه موضوع پژوهش نشان می‌دهد که تا پیش از سه دهه پایانی سده بیستم مبارزه با فساد مالی و اداری دغدغه بین‌المللی به شمار نمی‌آمد و از دهه‌های مزبور بدین سو، به یک موضوع مهم بین‌المللی تبدیل شد. از آن زمان تا کنون به گونه‌های مختلفی جامعه جهانی نسبت به پدیده فساد در سطح داخلی و بین‌المللی واکنش نشان داده و در پی ارائه برنامه‌ها و راهکارهای اثربخشی بوده است.^۱ در این میان، موضوع مقابله با رشا و ارتشاء (به ویژه رشوه در بخش خصوصی) زودتر از سایر گونه‌های فساد مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت. واقعیت این است که علی‌رغم اینکه مقررات فراملی گسترده‌ای برای مبارزه با ارتشاء خصوصی وجود ندارند، یک جنبش گسترده بین‌المللی برای مبارزه با آن از طریق تصویب قوانین کیفری داخلی وجود دارد. این جنبش اغلب از ابتکارات سازمان ملل متحد، شورای اروپا، اتاق بازرگانی بین‌المللی و سایر سازمان‌های بین‌المللی نشئت می‌گیرد که هدف آنها، ارتقاء و تقویت اقدامات به منظور پیشگیری و مبارزه با فساد در همه اشکال آن به صورت مؤثرتر و کارآمدتر است.^۲ سازمان‌های مزبور به

۱. ظاهراً نقطه آغاز طرح موضوع فساد و رشوه در سطح بین‌المللی به سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اگوسوک) یک هیئت فرعی بین‌الدولی به نام کمیسیون شرکت‌های فراملی را با هدف کمک به درک بهتر ماهیت شرکت‌های فراملی و تأثیرات سیاسی، حقوقی و اقتصادی‌شان بر کشورهای مادر و میزبان تأسیس کرد. هدف دیگر شورا عبارت بود از زمینه‌سازی برای اتخاذ ترتیبات بین‌المللی مؤثر به منظور افزایش کمک این شرکت‌ها به اهداف توسعه ملی و رشد اقتصاد جهانی و در عین حال کنترل و مهار تأثیرات منفی آنها. هدف اصلی این کمیسیون فراهم کردن تمهیدات لازم به منظور اتخاذ یک سری قواعد رفتاری در خصوص شرکت‌های چندملیتی توسط ملل متحد بود که برای کشورهای مادر و میزبان در برخورد با موضوعات مختلفی نظیر مالیات و الزامات ارزی و نیز ثبات، اعتماد و شفافیت لازم در معاملات بین‌المللی، تضمین‌های معتبر و قابل اعتمادی را فراهم سازد. از دیگر موضوعات مورد توجه کمیسیون، جنبه‌های منفی این معاملات یعنی اعمال فسادآلود بود. از این مرحله به بعد فساد و ارتشاء به عنوان یک پدیده مغایر با فعالیت‌های سالم اقتصادی در دستور کار مجامع بین‌المللی قرار گرفت (افوسو - اماه و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

۲. شایان ذکر است که جهانی بودن پدیده فساد اقتصادی و واجد جنبه بین‌المللی بودن آن موجب شده که این موضوع فراتر از چالشی داخلی جلوه کند و زمینه مداخله سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فراهم شود. در این راستا، فعالیت سازمان شفافیت بین‌الملل به عنوان یکی از نهادهای فعال در رصد میزان فساد در جهان قابل توجه است. برای نمونه، بر اساس گزارش سازمان مزبور در سال ۲۰۱۷ رتبه ایران با ۳۰ امتیاز هم اکنون در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی از نظر میزان فساد و شفافیت، ۱۳۰ است (همراهی، ۱۳۹۷: ۵۱۷). همین امر باعث شده که همه کشورها در معرض نظارت افکار عمومی در سطح بین‌المللی قرار گیرند

صورت فعّالانه اعضایشان را ترغیب می‌نمایند که در قانونگذاری‌های کیفی داخلی ارتشاء خصوصی را جرم‌انگاری نمایند. تلاش‌های نهادهای یادشده تا کنون نتایج متقاعدکننده‌ای را به همراه داشته است (Rohlfesen, 2012: 150). فعّالیت‌ها و تلاش‌های بین‌المللی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. اقدامات و تصمیمات سازمان ملل؛ ۲. اقدامات و تصمیمات منطقه‌ای؛^۱ و ۳. اقدامات سازمان‌های غیردولتی.^۲ هر یک از این فعّالیت‌ها و تلاش‌ها به گونه‌ای بر فرایند تحوّل، پیشگیری، کنترل و مهار پدیده فساد و رشوه‌خواری در سطح بین‌المللی و داخلی اثرگذار بوده‌اند، که بررسی آنها خارج از قلمرو بررسی این مقاله است و تنها به بررسی جایگاه رشا و ارتشاء خصوصی در مصوّبات سازمان ملل بسنده می‌شود.

نگرانی آشکار ملل متحد از فساد مالی طی دهه‌های یادشده (پس از بحث‌های اوّلیه راجع به پرداخت‌های نامشروع) در ۱۹۹۶ میلادی با اتّخاذ اعلامیه مجمع عمومی علیه فساد و رشوه‌خواری به اوج خود رسید. این اعلامیه با وجود الزام‌آور نبودن بسیار جامع است. تعریف رشوه‌خواری در این اعلامیه شامل کلیه اعمالی می‌شود که در قوانین ناظر بر ارتشاء و

و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های لازم را در امر مبارزه با فساد در دستور کار قرار دهند. از این رو، لزوم هماهنگی قوانین و مقررات ایران و اسناد بین‌المللی در امر مبارزه با فساد و رشوه‌خواری باید از اولویت‌های دولت ایران باشد، تا از این طریق چهره جامعه ایرانی در جهان بیش از این مخدوش نگردد.

۱. در زمینه اقدامات و تصمیمات منطقه‌ای می‌توان از کنوانسیون امریکایی علیه فساد مصوّب ۱۹۹۶، کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در خصوص مقابله با ارتشاء مأموران دولتی خارجی در معاملات تجاری بین‌المللی مصوّب ۱۹۹۷، کنوانسیون اروپایی مبارزه با فساد مصوّب ۱۹۹۹ و اصول مقابله با فساد در کشورهای آفریقایی مصوّب ۱۹۹۹ نام برد (افوسو - امه و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

۲. از کنفرانس بین‌المللی مقابله با فساد که در سپتامبر ۱۹۹۷ در لیما، پایتخت کشور پرو، برگزار شد، به عنوان نخستین کوشش دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نمایندگان جامعه مدنی برای بحث آزاد راجع به موضوع فساد و رشوه‌خواری یاد شده است. علاوه بر این، کوشش‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی برای اتّخاذ موازین چندجانبه در خصوص فعّالیت‌های شرکت‌های چندملیتی از جمله تلاش‌های دیگری است که تاکنون در زمینه مقابله با فساد صورت گرفته است (افوسو - امه و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۴). ظاهراً گزارش ۱۹۹۷ اتاق بازرگانی بین‌المللی نخستین گزارش بین‌المللی در خصوص تبعات منفی رشوه در تجارت بین‌الملل است که عکس‌العمل‌هایی را در میان سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا برانگیخت.

فساد مالی بسیاری از کشورها مندرج است (افوسو - اماه و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۱).^۱ در ادامه، مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۵۵/۶۱ خود به تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ میلادی این موضوع را به رسمیت شناخت که اسناد مؤثر حقوق بین‌المللی علیه جرایم فساد از جمله رشا و ارتشاء فارغ از کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالمو) مطلوب هستند و تصمیم گرفت تا کمیته خاصی برای مذاکره در مورد چنین سندی در وین تشکیل شود (آلبرشت، ۱۳۸۸: ۱۶۹). با توجه به آنچه گفته شد، در بعد بین‌المللی، در دهه‌های پایانی هزاره دوم میلادی پدیده فساد توجه زیادی را از سوی جامعه بین‌المللی به خود جلب نموده است. در واقع، از آن زمان به بعد عمق توجه به مبارزه علیه فساد بی‌سابقه بوده است، به طوری که تلاش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی راه را برای مذاکره و تصویب چند سند بین‌المللی مبارزه با فساد، طی یک دوره زمانی هفت تا هشت ساله (۲۰۰۳-۱۹۹۶)، هموار ساخته‌اند. این امر بر نگرانی جدی‌ای که خطر فساد جامعه جهانی را تهدید می‌کند صحه می‌گذارد. تمرکز اصلی این معاهدات ایجاد عزم جهانی برای مبارزه با فساد به ویژه از راه نظارت داخلی و خارجی بر عملکرد کشورها و با هماهنگ‌سازی قواعد بین‌المللی مبارزه با فساد است (طالبی کلیشمی، ۱۳۹۶: ۵۷).

به هر روی، سرآمد برنامه‌ریزی‌های بین‌المللی در این زمینه را می‌توان در تصویب دو سند مهم بین‌المللی خلاصه کرد: یکی «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته

۱. اعلامیه ملل متحد علیه فساد و رشوه در معاملات تجاری بین‌المللی از دولت‌ها می‌خواهد تا ضمن جرم‌انگاری «مؤثر و هماهنگ» و ایجاد مسئولیت کیفری برای رشا مقامات دولتی خارجی در قوانین داخلی خود، اموال و منافع ناشی از فساد و رشوه را توقیف نمایند. همچنین، اقداماتی را انجام دهند که امکان معافیت مالیاتی برای رشوه‌های پرداخت‌شده در معاملات تجاری بین‌المللی وجود نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). مطابق مفاد این اعلامیه، مجموعه قواعد رفتاری بین‌المللی برای مقامات دولتی به تصویب رسید که به عنوان ابزاری برای هدایت کشورها به سمت مبارزه با انواع مصادیق فساد از جمله جرم ارتشاء در نظر گرفته می‌شود. این مجموعه قواعد رفتاری بین‌المللی شامل اصول کلی برای رفتار تخصصی مقامات دولتی، اصول پیشگیری از تعارض منافع، افشای دارایی‌ها، پذیرش هدایا، کنترل بر اطلاعات سری و دخالت در فعالیت سیاسی می‌گردد.

فراملی» موسوم به «کنوانسیون پالمو» است^۱ و دیگری «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» موسوم به «کنوانسیون مریدا» است.^۲

مواد ۸ و ۹ کنوانسیون پالمو مشتمل بر «جرم‌انگاری فساد» و «تدابیر مقابله با فساد» است؛ در ماده ۸ چنین مقرر شده است: «۱. تمامی کشورهای عضو، باید تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا موارد زیر در صورتی که عمداً انجام شوند، عمل مجرمانه محسوب شوند. الف) وعده دادن، پیشنهاد کردن یا دادن امتیازی نابجا به یک مقام عمومی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای مقام مذکور یا برای شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید؛

ب) درخواست یا پذیرش امتیاز نابجا از سوی مقام عمومی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به نفع خود یا به نفع شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید؛

۲. تمامی کشورهای عضو، باید تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا موارد مشروح در بند ۱ این ماده در صورتی که مربوط به مقام عمومی خارجی یا کارمند بین‌المللی باشند، عمل مجرمانه محسوب شوند. به همین ترتیب، تمامی کشورهای عضو، سایر شکل‌های فساد را نیز جرم محسوب خواهند کرد.

۳. کشورهای عضو همچنین تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا معاونت در عمل مجرمانه موضوع این ماده نیز جرم محسوب گردد.

۱. کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی معاهده‌ای چندجانبه مورد حمایت سازمان ملل متحد است که در سال ۲۰۰۰ علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی تصویب شد. این کنوانسیون در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ به اجراء درآمد و تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷، ۱۸۹ کشور آن را امضاء کرده‌اند که شامل ۱۸۴ عضو سازمان ملل متحد می‌شود. کشور ما تا کنون به آن نپیوسته است.

۲. کنوانسیون ملل متحد علیه فساد در سال ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در سال ۱۳۸۷ در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد.

۴. در بند (۱) این ماده و ماده (۹) این کنوانسیون، «مقام عمومی» یعنی هر مقام عمومی یا شخصی که خدمات عمومی مقرر در قوانین داخلی و مندرج در قوانین کیفری کشور عضوی را ارائه می‌دهد که مقام یا شخص مزبور در آن کشور، وظایف مذکور را انجام می‌دهد.^۱

همانطور که می‌بینیم در بند ۴ وصف و خصوصیت مرتکب در جرم فساد (رشوه‌خواری) با توصیف «مقام عمومی» آمده و این گونه توسعه داده شده است: «مقام عمومی و یا مأمور به خدمات عمومی طبق قوانین داخلی». بر اساس این بند، چنین برداشت می‌شود که کنوانسیون مزبور، علاوه بر مستخدمان و کارمندان رسمی و دولتی، نظر به کارکنان و کارمندان داشته که همانند مستخدمان دولتی به ارائه خدمات عمومی اشتغال دارند ولی طبق قوانین داخلی مستخدم دولت حساب نمی‌شوند. از آنجا که در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی و امور قراردادی این گروه نیز همانند گروه نخست در معرض رفتارهای مجرمانه مذکور در این ماده قرار دارند و حتی در مواردی رخ دادن رفتارهای مزبور در پیوند با آنها بیشتر امکان‌پذیر است، گروه دوم در این مورد همانند گروه نخست به شمار آمده‌اند. از این رو، باید گروه دوم را «در حکم مستخدم و کارمند رسمی» قلمداد کرد و این را حمل بر این معنا نمود که ماده مزبور جرم‌انگاری رشوه‌خواری عمومی و خصوصی را به طور یکسان مورد توجه قرار داده است.

بر خلاف کنوانسیون پالرمو که صریحاً درباره رشوه‌خواری خصوصی بحثی را به میان نیاورده، کنوانسیون مریدا مشتمل بر مقرراتی است که الزامات و تکالیفی را برای کشورها به منظور مقابله با فساد اداری و مالی به طور عام و پرداخت و دریافت رشوه به طور خاص و پرداخت و دریافت رشوه در بخش خصوصی به طور اخص پیش‌بینی کرده است. این کنوانسیون امکان همکاری‌های

۱. به موجب ماده ۹ کنوانسیون مزبور: «تدابیر مقابله با فساد: ۱. علاوه بر تدابیر مقرر در ماده (۸) این کنوانسیون، به منظور ارتقای سطح صداقت و درستکاری مقامات عمومی و پیشگیری، کشف و مجازات فساد در میان آنان، تمامی کشورهای عضو، تا حدودی که مقتضی و با نظام حقوقی آنها منطبق باشد، تدابیر تقنینی، اداری یا سایر تدابیر مؤثر را اتخاذ خواهند کرد. ۲. به منظور تضمین اتخاذ اقدامات مؤثر از سوی مراجع ذی‌ربط خود در زمینه پیشگیری، کشف و مجازات فساد مقامات عمومی، شامل تفویض استقلال کافی به این مراجع برای جلوگیری از اعمال نفوذ نابجا در اتخاذ این تدابیر، تمامی کشورهای عضو اقدامات لازم را انجام خواهند داد.»

بین‌المللی و فراگیر را برای پیشگیری از فساد اداری و مالی در لایه‌ها و سطوح مختلف فراهم آورده و به جامعه جهانی این فرصت را داده تا دولت‌ها بتوانند در کنار یکدیگر و به طور هماهنگ با پدیده فساد و رشوه‌خواری مقابله جدی نمایند (نظری منظم و وطن‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

در این کنوانسیون، از یک سو، در ماده ۱۲ موضوع فساد در «بخش خصوصی» مورد توجه قرار گرفته و تأکید شده است: «۱. هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، اقداماتی را اتخاذ خواهد نمود تا از فساد بخش خصوصی جلوگیری کند، استانداردهای حسابرسی و ممیزی را در بخش خصوصی ارتقاء دهد و در صورت اقتضاء مجازات‌های مؤثر و بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری مناسب را به خاطر قصور در پیروی از چنین اقداماتی، در نظر بگیرد؛ و از سوی دیگر، در ماده ۲۱ آن با عنوان «ارتشاء در بخش خصوصی» چنین آمده است: «هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشند، جرم کیفری تلقی شوند:

الف) وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد به هر شخص، که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر، برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید.

ب) درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر، برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد».

در این ماده صریحاً دولت‌ها مکلف شده‌اند که رشا و ارتشاء در بخش خصوصی را جرم‌انگاری نموده و با توجه به تأثیر سوء این دو رفتار بر انجام فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی مانع رخ دادن آنها شده و علاوه بر این، هم برای پیشگیری از آنها و هم برای مقابله با

آنها برنامه‌ریزی کنند. این رویکرد تحوکی مهم در زمینه مبارزه با فساد و رشوه‌خواری به شمار می‌آید و توجه جامعه جهانی را به یکی از موضوعاتی که تهدیدی برای نظم اقتصادی داخلی و بین‌المللی است آشکار می‌سازد. در اینجا توجه بدین نکته ضرورت دارد که یکی از الزامات ناشی از الحاق دولت ایران به کنوانسیون مزبور این است که کشور ما یا باید صریحاً به جرم‌انگاری «ارتشاء در بخش خصوصی» اقدام نماید و یا رویه قضایی موضع حقوق ایران در این زمینه را معلوم سازد تا از این طریق بتوان پای‌بندی خود بدین بخش از سند یادشده را مورد تأیید قرار داد (فرهمندفر، ۱۳۸۸: ۸۴).

شایان ذکر است که در زمینه جرم‌انگاری ارتشاء خصوصی دو رویکرد در پیش گرفته شده است: در بعضی از نظریه‌پردازی‌های حقوقی بر تمایز ارتشاء مقامات دولتی و خصوصی تأکید کرده‌اند، با این حال حجم وسیعی از این آثار هیچ کدام اساساً به ارتباطات مفهومی‌ای که این دو شکل از ارتشاء را به یکدیگر مرتبط می‌سازند توجهی نکرده یا توجیحات ماهوی برای تلقی آنها به عنوان جرایم جداگانه را ارزیابی نکرده‌اند. در این راستا، نظام‌های حقوق کیفری جدید با تفکیک ارتشاء به ارتشاء عمومی و خصوصی به عنوان دو جرم جداگانه، با هر یک از آنها به عنوان جرایم جداگانه و بی‌ارتباط برخورد نموده‌اند. چنین رویکردی بر تمایزات تأکید داشته و تشابهات ماهوی بین این دو طیف ارتشاء را نادیده می‌انگارد، که به رفتار متفاوت در نظام عدالت کیفری خواهد انجامید. این در حالی است که هر دوی آنها نمایانگر ارائه یک منفعت به یک عامل، خواه عمومی یا خصوصی، در قبال نشان دادن توجه به مرتشی است (Gevurtz, 2007: 237). ولی واقعیت این است که امروزه با حرکت جوامع، چه در حال توسعه و چه توسعه یافته به سمت خصوصی‌سازی، تفکیک بین ارتشاء خصوصی و عمومی بیش از پیش رنگ باخته است. حرکت کلی در سطح حقوق بین‌الملل به سمت هر چه نزدیک‌تر نمودن این دو تأسیس حقوقی است، چنانکه «قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی راجع به مبارزه با فساد» که هدف از تنظیم آن «یک نوع خودتنظیمی از سوی کسب و کارهای تجاری علیه پیشینه اسناد قابل اعمال حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی است»، ممنوعیت دو نوع ارتشاء عمومی و خصوصی را با یکدیگر ادغام کرده

و به عنوان یک قاعده عمومی ضد ارتشاء در آورده که هیچ تفاوتی را نیز بین ارتشاء داخلی و ارتشاء خارجی قائل نیست (International Chamber of Commerce, 2011: 4). از سال ۱۹۷۷ میلادی، اتاق بازرگانی بین‌المللی به صورت پیوسته اعلام نموده که «هیچ تفاوت معنادار و مهمی بین ارتشاء عمومی و خصوصی وجود ندارد، به شکلی که هر دوی آنها مبادلات تجاری را مختل کرده و هر دوی آنها شایسته رفتار برابر و مشابه در حقوق هستند». ادغام ممنوعیت‌های ارتشاء عمومی و خصوصی در یک جرم واحد، سطح مجازات‌های ارتشاء خصوصی را به یک سطح متناسب‌تر تغییر می‌دهد، به طوری که با مجازات‌های ارتشاء عمومی متعادل شود. برای نمونه، ایالت رود ایلند^۱ تخلفات مربوط به ارتشاء را خواه عمومی باشد خواه خصوصی با مجازات‌های حداکثر بیست سال حبس یا مجازات‌های مالی که میزان آنها بسیار بیشتر از مقدار ارتشاء است مورد تعقیب قرار می‌دهد. در مقابل، در فرانسه تخلفات مربوط به ارتشاء خصوصی دارای مجازات حداکثر دو سال حبس با جزای نقدی به میزان ۳۰ هزار یورو هستند. این موارد مجازات‌هایی هستند که در مقایسه با حداکثر مجازات برای فساد عمومی (ده سال حبس و جزای نقدی ۱۵۰ هزار یورو)، در میانه و حدّ وسط هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ارتشاء خصوصی در بسیاری از کشورها حداقل میزان مجازات را در بردارد؛ با این حال، ادغام این مجازات‌ها با مجازات‌های ارتشاء عمومی می‌تواند برای این جرم متناسب‌تر باشد.

۲. رشا و ارتشاء خصوصی در حقوق ایران

با آنکه همچنان ارتشاء مقامات عمومی یکی از اشکال عمده فساد در سطح جهان به شمار می‌آید، نباید از نظر دور داشت که ارتشاء مقامات خصوصی، همانطور که از عنوان آن بر می‌آید، بر دخالت هیچ گونه مقام دولتی به واسطه دولتی بودن آن دلالت نمی‌نماید. البته این امر بدان معنا نیست که مقام دولتی نمی‌تواند مرتکب ارتشاء خصوصی شود، چراکه به عنوان یک شخص

۱. Rhode Island ایالتی است در شمال شرقی آمریکا و یکی از ایالت‌های نیوانگلند است. این ایالت کوچک‌ترین ایالت آمریکاست.

حقیقی، امکان وقوع ارتشاء خصوصی توسط این مقامات نیز وجود خواهد داشت (Boles, 119: 2014). از دید تطبیقی، در نظام حقوقی کامن‌لا ارتشاء خصوصی عبارت است از: «دریافت عوض توسط یک کارمند یا عامل یک شرکت بدون اطلاع دادن به مافوق مبنی بر عوض داده شده به طوری که بر روند تصمیم‌گیری تأثیر نامطلوب داشته باشد» (Callmann, 1968: 49).

باید توجه داشت که در ارتشاء خصوصی، مرتشی با این قصد که عامل یا کارمند شرکتی را به اقدام به نفع خود به جای مدیرش ترغیب نماید، مبادرت به پرداخت رشوه به او می‌نماید. عاملی که رشوه می‌پذیرد تکلیف قراردادی وفاداری به مدیرش را نقض کرده و از اعتماد و وفاداری مدیرش به واسطه منفعت اقتصادی اش سوءاستفاده می‌نماید (Burckdard and Borsodi, 2007: 213). یکی از جنبه جهانی حقوق قراردادها این است که عواملی که مبادرت به اخذ رشوه می‌نمایند تکلیف کلی صداقت (و امانت‌داری) را در ارتباط با امور و کسب و کار مدیران خود نقض نموده و با دریافت رشوه به مدیران خود آسیب وارد می‌نمایند (United Kingdom Law Commission, 2007: 6). بدیهی است این مدیران نیز زمانی که کارمندان آنها مبادرت به اخذ رشوه می‌نمایند با خسارت‌های قابل توجه اقتصادی مواجه می‌شوند (Novartis Corp. v. Luppino (In re Luppino), 221). ارتشاء خصوصی همچنین از طریق آثار ضد رقابتی‌ای که

۱. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، یکی از نکاتی که در رشا و ارتشاء خصوصی از اهمیت برخوردار است اجرای قانون نسبت به ارتکاب این جرم در خارج از قلمرو کشور است، زیرا کشورها معمولاً مرتکبین ارتشاء عمومی را با مجازات حبس و جزای نقدی مجازات می‌نمایند. در حالی که قوانین فراملی ضد ارتشاء در بسیاری از کشورها وجود ندارند، قوانینی که قابلیت اعمال برون سرزمینی نسبت به جرایم رشا و ارتشاء را داشته باشد؛ تلاش‌های زیادی هم در سطح سیاست جنایی داخلی و هم بین‌المللی جاری است (Transparency International, 2012: 4). بعضی کشورها در حال حاضر قوانینی را تصویب نموده‌اند که ارتشاء مقامات در سطوح برون سرزمینی را جرم‌انگاری نموده و بر همین مبنا به تعقیب قضایی آنها پرداخته‌اند. به علاوه، این نوع از ارتشاء برای کارآمدی اقتصادی شرکت‌ها و صنایع مانع ایجاد کرده و موجب آسیب‌های بلندمدت به توسعه اقتصادی کشور میزبان می‌گردد (Hess & Ford, 2008: 320).

ایجاد می‌نماید، به بخش خصوصی و عمومی آسیب وارد می‌کند (United States v. Fagan, 1002 (1987)).^۱

از دید تطبیقی، بسیاری از کشورهای اروپایی، چین، روسیه و سایر اعضای سازمان‌های بین‌المللی یادشده در قانونگذاری‌های داخلی خویش در زمینه ارتشاء خصوصی مقرراتی را وضع نموده‌اند که به موجب آن، «هم از منظر اخلاق عمومی و هم از جهت نظم عمومی این گونه ارتشاء در معرض خطر قرار می‌گیرد». با این حال، ارتشاء خصوصی فراملی احتمالاً مهم‌ترین جنبه از ارتشاء است که از سوی قانونگذاری‌های داخلی و منطقه‌ای نادیده انگاشته شده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۹). بسیاری از کشورها در تدوین و اجرای قوانین کیفری ناظر بر ارتشای خصوصی، به اصل سرزمینی بودن پایبند بوده و بنابراین در صورت ارتکاب جرایم با ماهیت بین‌المللی در قلمروی سرزمینی‌شان نیز خود را صالح به رسیدگی می‌دانند. در این میان، قانونگذاری بریتانیا

۱. لازم به یادآوری است که در حالی که تمامی کشورها شکلی از ارتشاء عمومی را جرم‌انگاری نموده‌اند، اما هم اکنون معدود کشورهایی هستند که به ارتشاء خصوصی به صورت ویژه توجه نموده‌اند (United Kingdom Ministry of Justice the Bribery Act 2010, 2011: Guidance 2). این امر تا حدود زیادی به این واقعیت بازمی‌گردد که به طور سنتی، مبارزه علیه فساد بر روی رشا و ارتشاء مقامات عمومی داخلی و همچنین سازمان‌های بین‌المللی متمرکز بوده و در اغلب اوقات، فساد در بخش خصوصی نادیده انگاشته شده است (Goel, 2012: 166). از سوی دیگر، کشورهایی نیز که اقدام به جرم‌انگاری ارتشاء خصوصی نموده‌اند، شمار تعقیب‌های قضایی آنها در این مورد عموماً اندک بوده است. این مشکل حتی در سطح دولت‌های توسعه‌یافته‌ای چون ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود، به نحوی که کشور اخیر فاقد هر گونه قانون فدرال کیفری است که این جرم را ممنوع اعلام دارد. دولت فدرال تنها به طور غیرمستقیم از طریق قانون مسافرت و قوانین مربوط به پست و همچنین قانون سازمان‌های راکتیر تحت نفوذ و فساد (the racketeer influenced and corrupt organizations act) که قابلیت تعقیب ارتشاء خصوصی را دارند، این رفتار را ممنوع اعلام کرده است. با این حال، قوانین مزبور محدودیت‌هایی را بر مورد خطاب قرار دادن جامع و مانع ارتشاء خصوصی هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی ایجاد می‌نمایند. به علاوه، امکانات دولت فدرال برای تعقیب ارتشاء خصوصی بر مبنای این چنین قوانینی محدود است. همچنین، قانونگذاران ایالتی رفتارهای به شدت متفاوتی را در برخورد با ارتشاء خصوصی اتخاذ نموده چنانکه بعضی از ایالات اقدام به جرم‌انگاری در این زمینه نموده‌اند، در حالی که سایرین اقدام به چنین امری نکرده‌اند و چنین در ایالات متحده معروف شده که این جرم کم تعقیب‌ترین جرم در حقوق کیفری این کشور است (Siffert and Rakoff, 2012: 22). همچنین، بین ایالاتی که اقدام به جرم‌انگاری در این زمینه نموده‌اند باید قائل به تفکیک شد؛ برخی از ایالات این جرم را به عنوان جرمی که دارای مجازات سنگین حبس و جزای نقدی است دسته‌بندی نموده‌اند، در حالی که سایر ایالات مجازات سبک‌تری را در این راستا مدنظر قرار داده‌اند.

پیشرفت بیشتری را نشان می‌دهد؛ رویکرد اخیر این کشور در «قانون ۲۰۱۰ ارتشاء»^۱ بیانگر رویکرد سختگیرانه قانونگذار بریتانیایی نسبت به رشا و ارتشاء در بخش خصوصی است. قانون اخیر که قطعاً می‌توان آن را جامع‌ترین قانون در زمینه مبارزه با فساد دانست بر طیف وسیعی از جرایم فساد از جمله ارتشاء خصوصی در سطح داخلی و فراملی متمرکز است.^۲

در حقوق ایران^۳ تنها مقرره‌ای که ممنوعیت گونه ویژه‌ای از رشا و ارتشاء خصوصی را پیش‌بینی کرده ماده ۵۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ است. به موجب این ماده: «هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدّی

1. The 2010 Bribery Act.

۲. افزون بر این، این قانون مشتمل بر یک مقرره فراسرزمینی است که فراتر از محل ارتکاب جرم، نسبت به تمامی شهروندان و سکنه بریتانیایی قابل اعمال است و همچنین تمامی نهادهای تجاری که بر مبنای قانون هر بخش از بریتانیا ثبت شده‌اند، فارغ از اینکه رفتار تخلف‌آمیز مورد نظر هرگونه ارتباط سرزمینی با بریتانیا داشته است یا نه. بنابراین، در صورتی که اشخاص حقیقی یا حقوقی بریتانیایی از ارتباطات کافی با اشخاصی برخوردار باشند که در خارج از این کشور اقدام به دریافت رشوه می‌نمایند، می‌توان آنها را بر مبنای قانون ارتشاء ۲۰۱۰ بریتانیا تحت تعقیب قضایی قرار داد.

۳. از دید تاریخی، ممنوعیت رشا و ارتشاء در حقوق ایران را در دو مرحله می‌توان مورد توجه قرار داد: تا پیش از دوران مدرن و پس از آن. پیشینه این ممنوعیت پیش از دوران مدرن را باید در فقه و حقوق اسلامی جستجو کرد. این موضوع به طور مبسوط در فقه بررسی شده و در ممنوعیت و ناروایی آن از این دید تردیدی نیست. اما در دوران مدرن این ممنوعیت با اقتباس از حقوق اروپایی در نظام حقوقی ما راه پیدا کرده است. برای نخستین بار طبق فقره سوم «قانون اساسی سلطنت ناصرالدین شاه»، «هر کسی هزار دینار رشوه یا پیشکش بگیرد، خائن دولت» به شمار آمده بود و مجازات آن قتل بود (امین، ۱۳۸۶: ۷۷۶). پس از آن، رشا و ارتشاء در مواد ۱۵۹ تا ۱۶۶ قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۳۵ قمری (۱۲۹۵ شمسی) و در ادامه در مواد ۱۳۹ تا ۱۴۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جرم‌نگاری شده بود. علاوه بر این، تا پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، دو متن قانونی دیگر نیز در این زمینه تصویب شدند: یکی قانون ارتشاء مصوب ۱۳۰۷ و دیگری ماده واحده متمم دیوان جزای عمال دولت مصوب ۱۳۰۸. پس از انقلاب، مقررات رشا و ارتشاء نخست در مواد ۶۵ تا ۷۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ پیش‌بینی شده بودند و این مواد به موجب ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری ۱۳۶۷ و ماده ۵۹۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵ منسوخ گردیدند و هم‌اکنون این مواد در این زمینه لازم‌الاجراء هستند. باید توجه داشت که ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ناظر بر ارتکاب ارتشاء نظامیان است. البته «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰» را در این زمینه نباید از نظر دور داشت.

به نفع دولت ضبط خواهد شد». از این ماده چنین برداشت می‌شود که داوران، ممیزان (ارزیابان مالی و غیرمالی) و کارشناسان به اعتبار اینکه ارائه‌کننده خدمات عمومی هستند مکلفند در چارچوب مقررات مربوط و با دریافت حق‌الزحمه به میزان تعرفه قانونی، کاری را که به آنها واگذار شده انجام دهند و در صورتی که وجه یا مالی را مازاد بر تعرفه قانونی از اصحاب دعوا اخذ کنند، اقدام آنان و مؤدی مشمول ماده مزبور خواهد شد.

به جز این در هیچ یک از مقررات دیگر مربوط به رشا و ارتشاء صریحاً از کارکنان و کارمندان بخش خصوصی به عنوان کسانی که ممکن است در معرض دریافت و پرداخت رشوه قرار گیرند نام برده نشده است. البته در متون قانونی، همواره از «مأموران به خدمات عمومی» به عنوان دسته ویژه‌ای از کارکنان و کارمندان یاد شده که درباره شمول آنها بر کارکنان و کارمندان بخش خصوصی تردید و ابهام زیادی وجود دارد. بر اساس مقررات جاری، جرم رشوه در صورتی محقق می‌شود که مرتشی یا گیرنده رشوه یکی از کارکنان دولت یا نهادهای عمومی باشد.^۱ عبارت مندرج در ماده ۳ قانون تشدید از این قرار است: «هر یک از مستخدمان و مأموران دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأموران به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی». و در ماده ۵۹۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵ به «اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری» ارجاع شده است. این ابهام و تردیدی تا جایی است که اداره کل حقوقی قوه قضائیه نظرات مشورتی دوگانه‌ای را در این زمینه ارائه کرده است.

۱. بی‌گمان حفاظت از منافع عمومی و سلامت دستگاه‌های دولتی باید در صدر اهمیت و توجه قانونگذار باشد، اما نتیجه این ابهام و تردید این است که منافع و سلامت بخش‌های غیردولتی و خصوصی از این بابت مورد توجه قرار نگیرد. برای نمونه، اگر کارمند یک شرکت تعاونی یا سهامی خاص متعلق به سهامداران غیردولتی در ازای اخذ وجه در ارائه خدمات و یا فروش کالا و نظایر آن، امتیازاتی اضافه به پرداخت‌کننده وجوه ارائه نماید، چه وضعیتی رخ می‌دهد؟ آیا می‌توان آن را به عنوان جلوه‌ای از فساد در سیستم خصوصی نادیده گرفت؟

برای نمونه، این اداره در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۶۳ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲۵ در پاسخ به استعلامی^۱ چنین بیان داشته است: «۱. کارکنان شرکت‌های خصوصی طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی از جمله شرکت‌های دولتی که در دستگاه‌های اجرایی به مناسبت در استخدام شرکت خصوصی بودن عهده‌دار انجام تعهدات شرکت‌های یادشده در امور موضوع قرارداد هستند، با لحاظ مواد ۵، ۱۷ و ۱۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مستخدم دستگاه اجرایی محسوب نمی‌شوند. بنابراین در فرض استعلام، کارکنان شرکت خصوصی طرف قرارداد با شرکت دولتی یا دیگر دستگاه‌های اجرایی از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ نمی‌باشند. بدیهی است در صورت تطبیق رفتار مرتکب (کارکنان شرکت‌های خصوصی فوق‌الذکر) با مقررات ماده ۲ قانون اخیرالذکر، مرتکب مطابق ماده ۲ یادشده قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. ۲. با توجه به پاسخ سؤال یک، پاسخ به این سؤال منتفی است».

این اداره به فاصله پنج روز در پاسخ به استعلام دیگری،^۲ طبق نظریه شماره ۷/۹۹/۱۳۳۷ مورخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ این گونه اظهار نظر کرده است: «ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، از مأموران به خدمات عمومی (رسمی یا غیر رسمی) نیز نام برده است و طبق ماده واحده قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور، دهیاری‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و جزء نهادهای عمومی غیردولتی محسوب شده‌اند و با لحاظ ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۳۰ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ مؤسسه

۱. استعلام مزبور از این قرار است: «در برخی موارد شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها جهت تأمین نیرو با شرکت‌های خصوصی قرارداد منعقد می‌کنند و نیروهای تأمین‌شده به عنوان کارمند در شهرداری یا شرکت‌های دولتی مشغول به کار می‌شوند و حقوق خود را نیز از شرکت منعقدکننده قرارداد دریافت می‌کنند. حال اگر این نیروها در انجام وظایف خود اقدام به اخذ جوهی از مراجعین کنند، با توجه به اینکه تحت قرارداد شرکت خصوصی می‌باشند، اما در شهرداری یا شرکت دولتی به عنوان کارمند انجام وظیفه می‌کنند، آیا مشمول ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می‌شوند؟ و وجه ماخوذه رشوه محسوب می‌شود؟».

۲. «آیا کارشناس فنی دهیاری مشمول ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری است؟».

یا نهاد عمومی غیردولتی عهده‌دار خدمات عمومی هستند و افرادی که در این مؤسسات یا نهادهای عمومی مشغول فعالیت‌اند (اعم از رسمی یا غیر رسمی)، مأمور به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و در نتیجه کارکنان دهیاری‌ها نیز که در چنین نهادی فعالیت می‌کنند، مأمور به خدمات عمومی بوده و در صورت دریافت وجه یا مالی در قبال انجام کار در اجرای وظایف قانونی و مربوط به آن، رفتار ارتكابی وی ممکن است مشمول مقررات ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری شود و به هر حال، تشخیص و تطبیق عمل ارتكابی با مواد قانونی به عهده قاضی رسیدگی کننده است.^۱

همانطور که می‌بینیم در نظریه نخست به عدم شمول ماده ۳ قانون تشدید بر کارکنان بخش خصوصی اظهار نظر شده و در نظریه دوم برخلاف آن در این باره پاسخ داده شده است. بدیهی است این اختلاف نظر از آنجا ناشی می‌شود که موضع قانونگذار در این باره روشن نیست، به ویژه وقتی به پیشینه و تحول قانونگذاری توجه کنیم، این تردید و ابهام افزون‌تر خواهد شد. از این دید، از سال ۱۳۱۵ که قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی تصویب شد و در متون قانونی مربوط به جرایم اداری، از جمله ارتشاء و اختلاس، عبارت «مأمورین به خدمات عمومی» اضافه گردید، جای این پرسش بوده که منظور از مأمورین به خدمات عمومی چیست؟ و کدام دسته از کارکنان مؤسسات عمومی غیردولتی را شامل می‌شود؟ این ابهام با نسخ

۱. شایان ذکر است که نظریه‌های متعارض دیگری از اداره یادشده در این زمینه صادر شده‌اند که به لحاظ بی‌توجهی به مبنای قانونگذاری و نداشتن نگاه روش‌شناسانه، به جای رفع ابهام و روشن‌گری، بر ابهامات افزوده‌اند. برای نمونه، نک: نظریه شماره ۷/۹۹/۱۱۷۱ مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۹ در خصوص شمول ماده ۳ قانون تشدید بر «اعضای شورای حل اختلاف»، نظریه شماره ۱۰۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۸ در خصوص شمول جرم توهین به مقامات دولتی و مقررات اختلاس بر «اعضای شورای حل اختلاف»، نظریه شماره ۷/۹۹/۴۷۹ مورخ ۱۳۹۹/۶/۴ در خصوص شمول ماده ۵۹۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ یا مواد ۳ و ۵ قانون تشدید بر شرکت‌های غیردولتی و غیروابسته به دولت که قسمتی از سرمایه یا سهام شرکت (کمتر از ۵۰ درصد) متعلق به دولت است، نظریه شماره ۷/۹۸/۱۹۵۲ مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۰ در خصوص شمول وصف «مأمورین به خدمات عمومی» مندرج در ماده ۵۹۸ قانون یادشده و ماده ۵ قانون تشدید بر بانک‌های خصوصی، کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان، سازمان نظام مهندسی، مرکز و کلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده.

قانون یادشده افزون‌تر شده است.^۱ به عبارت روشن‌تر، قانونگذار با بکارگیری عبارت «مأمورین به خدمات عمومی» تا اندازه‌ای دایره شمول مقررات ارتشاء را توسعه داده، ولی نمی‌توان بر این باور بود که حکم مقرر در ماده ۳ قانون تشدید دسته‌ها و گروه‌های مختلف کارکنان و کارمندان بخش‌های خصوصی را دربرمی‌گیرد. پس، با آنکه قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی نسخ شده و امکان ارائه تفسیر موسّع از مأمورین به خدمات عمومی بیش از پیش فراهم آمده، هنوز ابهام و تردید در این زمینه باقی است و مراجع قضایی نمی‌توانند تفسیر قابل قبولی را برای این منظور ارائه کنند.

برای روشن‌تر ساختن موضوع می‌توان به اختلاف نظر شعبات دادگاه تجدیدنظر استان یزد در خصوص شمول حکم مقرر در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ بر کارکنان بانک صادرات، از جمله بانک‌های خصوصی، که منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵ از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور شده اشاره کرد. به موجب این رأی: «مأمورین به خدمات عمومی همانند کارکنان دولت مشمول حکم مقرر در خصوص تصرف غیرقانونی نسبت به وجوه یا سایر اموال سپرده‌شده به آنها برحسب وظیفه هستند. کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی، به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند، از مصادیق مأمورین به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و مشمول مجازات مقرر در ماده فوق‌الذکر (ماده ۵۹۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵) هستند».^۲

این رأی وحدت رویه بستر پویایی رویه قضایی در این باب را فراهم آورده و دادگاه‌ها می‌توانند به تفسیر متون قانونی مربوط به کارمندان با دقت نظر بیشتر پردازند، اما این گونه اقدامات ما را بی‌نیاز از تعیین تکلیف قانونی نمی‌کند و همچنان این نیاز مهم وجود دارد که قانونگذار مداخله نماید و قلمرو شمول رشا و ارتشاء در بخش خصوصی را تعیین نماید.

۱. به موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قانون موصوف نسخ شده و دیگر قابل استناد نیست.

۲. در یکی از آراء دادگاه تجدیدنظر استان یادشده در خصوص شمول مقررات ماده ۵ قانون تشدید بر کارکنان بانک ملت، با این استدلال که بانک ملت غیردولتی است، رأی بر برائت متهم صادر شده است (نعمی‌نژاد و فلاح تفتی، ۱۳۹۶: ۶۳).

روش‌شناسی و قواعد تفسیری، از جمله تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم، همواره مانع ارائه تفسیری واقع‌گرا و منطبق بر نیازهای امروزی بوده و هست، چنانکه در خصوص رأی وحدت رویه مورد اشاره یکی از دادگاه‌های طرف اختلاف چنین استدلال نموده است. به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۳۰۷۲۰۰۱۸۵ مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۳ صادره از شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد: «با توجه به اینکه ماده ۵۹۸ قانون مرقوم ذیل فصل سیزدهم قانون مجازات اسلامی و تحت عنوان تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت آمده است و مأمورین به خدمات عمومی مشمول این ماده دانسته شده‌اند؛ در حالی که بانک صادرات، یک بانک خصوصی بوده و ایراد وارد شده از سوی متهمین و وکیل ایشان مبنی بر اینکه بانک صادرات خصوصی بوده و کارکنان و کارمندان آن مشمول ماده قانونی مرقوم نمی‌باشند، به نظر موجه می‌باشد؛ زیرا در مقام تعیین مجازات و در جهت تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم، این اقتضاء وجود دارد که افرادی که مشمول قانون هستند، دقیقاً مشخص باشند و در موارد شک، به موارد منصوص قانونی اکتفاء گردد؛ در حالی که چنانچه خلاف این قاعده تفسیر صورت گیرد، ممکن است افراد دیگری که در بخش‌های خصوصی، خدمات عمومی انجام می‌دهند نیز مشمول ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی شوند؛ در حالی که از ماده قانونی مرقوم چنین برداشتی صورت نمی‌گیرد». افزون بر این، نماینده دادستان کل کشور نیز بر صحت استدلال این شعبه تأکید کرده و خواستار تأیید رأی آن بوده است. در قسمتی از اظهارات وی آمده است: «بانک صادرات که در ماهیت فعلی شرکت خصوصی می‌باشد شامل هیچ کدام از مصادیق مصرح در ماده ۵۹۸ قانون یادشده نمی‌باشد و اقتضای تفسیر مضیق قوانین کیفری این است که به قدر متیقن اکتفاء شود و از توسعه بلاوجه دامنه شمول قاعده کیفری اجتناب گردد».

بدین ترتیب، چاره‌جویی قانونی در این زمینه نه تنها برای تعیین تکلیف درباره رشا و ارتشاء خصوصی ضرورت دارد و مشکل را برای این منظور برطرف می‌سازد، بلکه از جهت تسری حکم سایر جرایم اداری به رفتارهای ارتكابی در بخش‌های خصوصی نیز تکلیف روشن خواهد شد.

نتیجه

بسیاری از قوانین کیفری در سطح جهان به طور فعّالانه با ارتشاء عمومی مبارزه می‌نمایند. با این حال، در زمینه ارتشاء خصوصی، یا مجازات‌هایی حداقلی وضع شده یا اینکه اصولاً به مانند نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ارتشاء خصوصی به عنوان یک عنوان مجرمانه خاص به روشنی دارای تعقیب جزایی نیست؛ هرچند این دیدگاه وجود دارد که در چنین مواردی می‌توان مرتکب را تحت عناوین جزایی دیگر، از جمله خیانت در امانت، تحصیل مال از طریق نامشروع و ... مورد تعقیب جزایی قرار داد. تقنین در زمینه رشا و ارتشاء در حقوق ایران به گونه‌ای است که بسیاری از افرادی که مسئولیت ارائه خدماتی به عموم مردم را دارند، تنها به این خاطر که کارمند دولت محسوب نمی‌شوند، از دایره مقررات راجع به رشوه‌خواری خارج می‌گردند. این در حالی است که هم در کنوانسیون مریدا و هم در نظام کیفری بسیاری از کشورها، ارتشاء از ناحیه کارکنان خصوصی پیش‌بینی شده و دولت ایران نیز مکلف است صریحاً در این باره مقررات لازم را پیش‌بینی کند.

یکی از ضعف‌هایی که تقریباً در غالب نظام‌های حقوقی در ارتباط با ارتشاء وجود دارد توجه بیشتر به ارتشاء عمومی نسبت به ارتشاء خصوصی است. این مسئله بدین دلیل است که سیاست کیفری در حقوق مدرن بر آن تمایل دارد که از اموال دولتی حمایت بیشتری به عمل آورد و به همین منظور تخریب و سرقت و خیانت در رابطه با اموال دولتی متضمّن مجازات‌های سنگین‌تری در مقایسه با ارتکاب جرایم مذکور نسبت به اموال شخصی و خصوصی هستند و چنین قلمداد می‌شود که تجاوز به اموال عمومی علاوه بر لطمه به مالکیت، متضمّن سلب اعتماد و اطمینان شهروندان از قوای حاکمه و در نتیجه تهدیدی علیه آسایش عمومی است. اگرچه این نظر می‌تواند، از یک بعد، دیدگاه درستی تلقی شود، نباید فراموش کرد که امروزه به علت حجم عمده فعّالیت‌های غیردولتی و غیرعمومی، ارتشاء در بخش خصوصی حتّی در ایران نیز رو به افزایش است.

نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شاهدهی بر این مدعا هستند که قلمرو شمول این جرایم بر کارکنان خصوصی از مسائل روز دادگستری است. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معناست. هرچند صدور این رأی بستر مناسبی را برای توسعه مقرراتی از این دست، از جمله در رابطه با رشا و ارتشاء، فراهم آورده است، صرف نظر از نقدهایی که بر این رأی وارد است و در جای خود قابل بررسی است، اصول و روش شناسی حقوق کیفری این توسعه را بر نمی‌تابد و بی‌گمان سردرگمی در این زمینه را افزایش می‌دهد. پس، از یک سو، با توجه به تعهد بین‌المللی دولت ایران، و از سوی دیگر، بنا به مقتضیات و مصالح امروزی ضرورت دارد که موضوع رشا و ارتشاء در بخش خصوصی به طور ویژه در دستور کار نهادهای ذیربط قرار گیرد و با سنجش همه جوانب موضوع درباره آن قانونگذاری شود.

ORCID

Arsalan Ashrafi

 <http://orcid.org/0000-0001-8089-2413>

Amir Irvanian

 <http://orcid.org/0000-0002-5540-9386>

Mahdi Houshyar

 <http://orcid.org/0000-0003-2044-8614>

منابع

الف. فارسی

- آلبرشت، هانس یورگ. (۱۳۸۸). «فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین‌المللی در زمینه پیشگیری و منع فساد»، ترجمه: مجید قورچه بیگی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸.
- افوسو - اماه، دبلیو. پاتتی و دیگران. (۱۳۸۴). *چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد (مالی)*، ترجمه: احمد رنجبر، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امین، سیدحسین. (۱۳۸۶). *تاریخ حقوق ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۳). «نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۶.
- طالبی کلیشمی، علی‌مراد. (۱۳۹۶). *ارتشاء و اختلاس در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- فرهمندفر، حیدر. (۱۳۸۸). «الزامات قانونگذار ایران پس از الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد»، *فصلنامه علمی آگاه*، دوره ۲، شماره ۷.
- کاظمی، علیرضا. (۱۳۹۵). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال رشا مقامات دولت خارجی در معاملات تجاری بین‌المللی: نگاهی به تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون مبارزه با فساد در ماده (۱) ۱۶»، *مندرج در مجموعه مقالات همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها*، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، تهران، نشر میزان.

کریم، محمدحسین. (۱۳۹۴). «ارزیابی فرآیند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی)»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۳، شماره ۱۱.

نظری منظم، مهدی و وطن‌خواه، حمید. (۱۳۹۵). «مبارزه با فساد از منظر قوانین ایران و کنوانسیون بین‌المللی مریدا»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ۶، شماره ۲۸.

نعیمی‌نژاد، محمد و فلاح تفتی، مرجان. (۱۳۹۶). «اختلاس توسط کارمندان بانک‌های خصوصی»، دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، شماره ۳.

همراهی، راضیه. (۱۳۹۷). «نقش مؤسسات گزارش اعتبار در پیشگیری از فساد در پرتو اصل شناخت اطلاعات مالی»، مندرج در سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (به کوشش امیر حسین نیازپور)، تهران، نشر میزان.

الف: انگلیسی

Agreement Establishing the Group of States Against Corruption.

Afosu - Amah, W. Patti et al., (2005), "Legal Frameworks for Combating Corruption (Financial)", Translated: Ahmad Ranjbar, First Edition, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Persian]

Albrecht, Hans Yurge, (2009), "Corruption and Corruption Control: A Look at the Phenomenon of Corruption with an Approach to International Documents in the Prevention and Prohibition of Corruption", Translated: Majid Ghorcheh Beigi, Legal Information Quarterly, vols, 17 and 18. [in Persian]

Amin, Seyed Hassan, (2007), "History of Iranian Law", First Edition, Tehran: Encyclopedia of Iranology Publications. [in Persian]

Bantekas, Ilias. (2006). "Corruption as an international crime and against Humanity", *Journal of international criminal Justice*, Oxford, Oxford university press.

Burckhardt, Peter & Borsodi, Benjamin. (2007). Focuses on Private Sector Bribery, Switzerland Tightens Anti-Corruption Laws, 23 INT'L ENFORCEMENT L. REP.

Callmann, Rudolf. (1968). The Law of Unfair Competition, Trademarks and Monopolies § 49, 3d ed

- Convention on the Fight against Corruption involving Officials of the European Communities or Officials of Member States of the European Union.
Corruption of Foreign Public Officials Act, 1998 S.C., c. 34.
- Farahmandfar, Haidar, (2009), "Requirements of the Iranian legislature after accession to the United Nations Convention against Corruption", *Agah Scientific Quarterly*, Volume 2, Issue 7. [in Persian]
- Gevurtz, Franklin A. (2007). *Rethinking Corruption: An Introduction to a Symposium and a Few Additional Thoughts*, 20 PAC. MCGEORGE GLOBAL BUS. & DEV. L.J. Available at: <http://www.oecd.org/corruption/sweden-s-laws-on-corporate-responsibility-for-international-bribery-need-urgent-reform.htm>.
- Goel, Asheesh. (2012). *International Anti-Bribery and Corruption Trends and Developments*, 166, Available at: <http://www.ropesgray.com/files/upload/2012>.
- Hosseini, Seyed Hossein, (2004), "A comparative approach to how the crime of bribery is reflected in Legal systems of France, Italy, Switzerland and China", *Journal of Legal Research*, Vol 6. [in Persian]
- Jones, Caitlin. (2005). *Magnetic and Environmental Influences of Criminal Behaviour*, Rochester institute of Technology.
- Karim, Mohammad Hossein, (2015), "Evaluation of the privatization process in line with the general policies of Article 44 of the Constitution (increasing the share of the private sector)", *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, Volume 3, Issue 11, P 49-62. [in Persian]
- Kazemi, Alireza, (2016), "International Responsibility of States for Bribery of Foreign Officials in International Trade: A Look at the Obligations of States Parties to the Anti-Corruption Convention in Article 1(16)", Listed in the *Proceedings of the United Nations Convention against Corruption: Achievements and Challenges*, Iranian Association for United Nations Studies, Tehran: Mizan publication. [in Persian]
- Lajcakova, Jamila. (2003). *Violation of Human Rights Through State Tolerance of Street-Level Bribery: Case Study, Slovakia*, 9 BUFF. HUM. RTS. L. REV.
- Naimi Nejad, Mohammad and Fallah Tafti, Marjan, (2017), "Embezzlement by employees of private banks", *Two Quarterly Journal of Judicial Procedure (Criminal Justice)*, No 3. [in Persian]
- Nazari Monazam, Mehdi and Vatan khah, (2016), "Fight against corruption from the perspective of Iranian law and the Merida International Convention",

- Quarterly Journal of International Police Studies, Year 6, Issue 28. [in Persian]
- Novartis Corp. v. Luppino. (1998) (In re Luppino), 221 B.R. 693, 703 n.4 Bankr. S.D.N.Y.
- Hamrahi, Razieh, (2018), “The role of credit reporting institutions in preventing corruption in the light of the principle of recognizing financial information”, Inserted in the criminal policy against economic delinquency (by the effort of Amir Hossein Niazpour), Tehran: Mizan Publishing. [in Persian]
- Rohlfen, Ryan J. (2012). Recent Developments in Foreign and Domestic Criminal Commercial Bribery Laws.
- Siffert, John S. & Rakoff, Jed S. (2012). Business Crime: Criminal Liability of the Business Community (six volumes).
- Statement on the Adoption by the General Assembly of the United Nations Convention Against Corruption (2003).
- Talebi Klishemi, Ali Morad, (2017), “Bribery and embezzlement in Iranian law and international documents”, first edition, Tehran: Khorsandi Publications. [in Persian]
- The European Convention on Extradition of 1957.
- The Foreign Corrupt Practices Act.
- The International Code of Conduct for Public Officials.
- The OECD Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business Transactions.
- United Kingdom Law Commission, Reforming Bribery—A Consultation Paper 27 (2007), Available at:
http://lawcommission.justice.gov.uk/docs/cp185_Reforming_Bribery_consultation.pdf.
- United Kingdom Ministry of Justice, The Bribery ACT 2010—available at:
<http://www.justice.gov.uk/downloads/legislation/bribery-act-2010-guidance.pdf>.
- United Nations Convention Against Corruption, supra note 55, art. 1.
- United States v. Carson, No. SACR 09-00077-JVS, 2011 U.S. Dist. LEXIS 154145, at *3–*4, *28 (C.D. Cal. Sept. 20, 2011).
- United States v. Fagan, 821 F.2d 1002, 1009 (5th Cir. 1987).
- United States v. Lipscomb, 299 F.3d 303, 309 (5th Cir. 2002) (citation omitted) (internal quotation marks omitted).
- United States v. Tonry, 837 F.2d 1281, 1284 (5th Cir. 1988). Available at: <http://www.cms-cmck.com/Hubbard.File>.